



شهید قاسم سلیمانی

شهید سیدمحسن نصرالله

شهید ابوبهی الهفندس

شهید مصطفی چمران

شهید الوارود آنبلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن طهرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید مصن فقریزااده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمعبداش حکیم

شهید عدا مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

انقلاب اسلامی ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مظلوم‌ترین قربانی تروریسم و در عین حال بزرگ‌ترین و مقتدر ترین پرچمدار مبارزه با این پدیده شوم و شیطانی است و در این راه بیش از بیست و سه هزار شهید ترور تقدیم کرده است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تاکنون ۷۷ شهید قاضی و بیش از ۲۰۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده که بسیار از آنان شهدای ترور هستند. این شهدای قهر قدر با ایستادگی در برابر فساد، نفق و تروریسم، نشان داده‌اند که به حق پیش‌نژان عرصه عدالت و شجاعت هستند.

شهید آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، شهید محمد کچویلی اولین رئیس زندان لوین، شهید سید اسدالله لاجوردی که سابقه رئیس سازمان زندان‌ها و دادستانی تهران را داشت، شهید علی قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی، شهید موسی نوری قلعقو دادستان زابل، شهید حسن احمدی مقدس مشهور به قاضی مقدس قاضی شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران، شهید یوسف مرجبا قاضی و قووقدان که به عنوان نماینده حاکم شرع در استازا فعالیت می کرد، شهید ابوالقاسم عابدینی کارمند قوه قضائیه در تهران و شهید افشار قلی‌پور از جستان کارمند دادستانی در تهران از جمله شهدای ترور قوه قضائیه در طول سال‌های دور و نزدیک هستند.

۲۹ دی ۱۴۰۲ نیز دو قاضی شجاع و برجسته دیوان عالی کشور، حجج اسلام علی رازینی و محمد مقبسه، در یک حمله تروریستی به شهادت رسیدند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در پیام‌اش در پی شهادت این دو قاضی بر جسته، از «حاج شیخ علی رازینی با عنوان «عالم مجاهد» و از حاج شیخ محمد مقبسه با عنوان «قاضی شجاع» یاد کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر پیگر این دو قاضی شهید اقامه نماز کردند و پس از اقامه نماز در سخنان کوتاهی در جمع خانواده‌های این دو شهید یاد تجلیل از شهیدان رازینی و مقبسه گفتند: این دو شهید تلاشی و مجاهدت و کارهای بزرگی در طول زندگی داشتند و به همین علت مستوجب پاداش الهی و شهادت در راه خدا شدند.

آری، قوه قضائیه مزین به افتخارات ایثار و شهادت از ریاست تا سطوح عالی و همچنین تمامی سطوح و رده‌هایش است و به یقین می‌توان گفت که خون شهدای قوه قضائیه، انقلاب اسلامی را مقاوم‌تر کرده و مسیر عدالت را روشن‌تر از همیشه ساخته است؛ خون‌هایی که ثابت کردند دشمنان هر چقدر تلاشی کنند نمی‌توانند جلوی حر کت پر قدرت انقلاب و عدالت را بگیرند.

مروری می‌کنیم بر زندگینامه و خدمات انقلابی و شجاعانه و عدالت‌محور دو شهید اخیر قوه قضائیه حجج اسلام علی رازینی و محمد مقبسه.

زندگینامه و افتخارات شهید علی رازینی

حجت‌الاسلام والمسلمین علی رازینی متولد سال ۱۳۳۲ در روستای شاهنجرین(چانگ‌رین) از شهر رزن در استان همدان است.

جد وی شخصی روحانی و از شاگردان مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه و هم‌دوره حضرت امام خمینی(ره) و مراجع است و پدر و عموهایش همه روحانی هستند.

حجت‌الاسلام رازینی در سال ۴۲ به حوزه رفت در حالی که ده سال بیشتر نداشت. وی در مدرسه علمیه حقای قی که پایه‌گذار و مدیر آن شهیدان بهشتی و قدوسی بودند، تحصیل درس اسلامی را انجام داد و تحت تعلیم اساتیدی همچون حضرات آیات قدوسی، مشکینی، احمد جنتی، وحید خراسانی، شبیری، مرتضی حائری یزدی، بهشتی، مفتاح، جوادی آملی و مصباح‌زده قرار گرفت.

البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فارغ‌التحصیل کارشناسی حقوق در دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد حقوق جزا و حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی و دکتری حقوق از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی گردید. شیخ علی با امام خمینی(ره) از همان اوایل طلبگی آشنا شد و بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ که رژیم ستم‌شاهی با امام برخورد داشت، وی اعلامیه‌هایی که مراجع می‌دادند را پخش می کرد و به خاطر پخش اعلامیه‌های امام دستگیر هم شده است.

حجت‌الاسلام رازینی موارد متعدد دستگیری به‌خاطر مبارزات ضدظالوت‌ها را در کارنامه دارد که مهم‌ترین آن یکبار به مدت بیش از ۶ ماه بود. شهید رازینی دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در دامان خانواده‌ای متدین، متشرع و مالم‌پرور سپری کرده است. این عالم ربانی چه در سال‌های مبارزه و رعب قرن گذشته، یکی از انقلاب و چه در کوران انقلاب و ربیع قرن گذشته، یکی از نزدیک‌ترین و مورد وثوق‌ترین یاران حضرت امام خمینی(ره) و رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله‌العلظمی خامنه‌ای بوده است و به لحاظ ویژگی‌های اخلاقی، تربیتی و مکتبی از جمله معدود شخصیت‌هایی بود که در دشوارترین شرایط، خطیرترین مناصب و مسئولیت‌ها را پذیرفته است و پیوسته با اتکال به خداوند و توکل و توسلی که ریزاند عام و خاص بوده، دشوارترین آزمون‌ها را با سربلندی و موفقیت کامل پشت سر نهاده است.

شهید علی رازینی پرورش یافتهٔ خانواده‌ای است که پیش‌نژا در عرصه ایمان و تقوا و فضل و ایثار و شهادت هستند. آیت‌الله شیخ محمود رازینی(درگذشت ۱۳۹۰) پدر فاضل و گرمای حجت‌الاسلام علی رازینی از اساتید حوزه علمیه است که دو فرزند گرامی‌اش در دفاع مقدس به شهادت رسیدند: شهید عباس رازینی در عملیات کربلای۵ و شهید مجتبی رازینی در عملیات کربلای۴.

فرزند دیگر شسان مرتضی رازینی نیز از جانبازان جنگ تحمیلی است.

رزمنده بسیجی عباس رازینی در ۲۹ دی ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی شملچه به درجۀ رفیع شهادت نایل آمد. حجت‌الاسلام علی رازینی نیز در ۲۹ دی یعنی در سالگرد شهادت برادرش از ملک به ملکوت بال پرواز گشود و جامه شهادت پوشید. مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت آیت‌الله رازینی، طی پیامی به فرزند ایشان حجت‌الاسلام علی رازینی از پدرش‌ان با عناوین «والد المکرم و بزرگوار» و «پوالا‌م‌په‌نین» یاد کرده و «فقران واسعه‌الای و حشر با فرزندان شهیدشان» را مسألت کرد.

شیخ علی رازینی چند بار در معرض ترور ناکام قرار گرفت که معروف‌ترین آنها در دی‌ماه سال ۱۳۷۷ اتفاق افتاد به این صورت که در دوران ریاست بر دادگستری تهران بود که در شب ۱۸ رمضان هنگام خروج از محل کارش با نصب بمب آری‌هایی به خودروی حامل وی توسط موتورسواران منافق و تروریست مورد سوء قصد قرار گرفت و به درجه جانبازی نایل آمد.



در همان روز، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی از حجت‌الاسلام رازینی رئیس کل دادگستری استان تهران که در اثر ترور نافرجام ضدانقلاب در بیمارستانی در تهران بستری شده بود، عیادت کردند.

مقام معظم رهبری هنگام عیادت از حجت‌الاسلام رازینی در جریان گزارش پزشکی و وضعیت جسمی‌اش قسار گرفتند و ضمن ابراز خرسندی از بهبودی وضعیت عمومی آقای رازینی، صحت و سلامتی هر چه سریع‌ترش را از درگاه خدای متعال خواستار شدند و فرمودند: «این امتحان الهی بود و این گونه عوارض، نشانه ایلف خداست؛ همهٔ ما در آرزوی شهادتیم. آن‌شاه‌الله خداوند این را وسیله‌ای برای تقرب بیشتر شما به پروردگار و جلب توجه و لطف پروردگار قرار بدهد.»

حجت‌الاسلام رازینی گفت: ما پیرو مکتب «والله ان قطعتموا یعنی» هستیم، امیدواریم که این کسالت، به انجام وظیفه در راه دفاع از اسلام و ولایت، لطمه نزند. اِین روحانی بزرگوار، پس از سالیان سال تصدی حسین‌ترین مشاغل نظام همچون طلبه‌ای جوان و در آغاز راه با اقتدا به رهبر و مرادخویش آیت‌الله‌العلظمی خامنه‌ای، زندگی ساده و بی‌پیرایه‌ای داشت و ساده‌زیستی را بزرگ‌ترین افتخار زندگی خویش می‌دانست و کسانی که از نزدیک با این عارف و سالک بزرگوار آشنایی و حشر و نشر داشتند گواهی می‌دهند که منصب و مقام هرگز نتوانسته بود کوچک‌ترین خدشه و خللی به آموزه‌ها و اعتقادات دینی و آیینی وی وارد سازد و حجت‌الاسلام رازینی همواره همان طلبه جوانی بود که رهبر فرزانۀ انقلاب اسلامی از این روستا به آن روستا می‌رفت و برای جوانان و نوجوانان کتاب‌های مذهبی و انقلابی به ارمان می‌برد و در گوشه‌های مساجد و حسینیه‌ها زمرمه روح‌نواز آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی را در گوش‌ها و جان‌ها زمرزه می‌کرد.



عملکرد در شرایط بحرانی اول انقلاب

حجت‌الاسلام علی رازینی نحوه ورودش به قوه قضائیه و عملکردش در شرایط حساس و بحرانی دهه اول انقلاب را در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۶ چنین شرح داده است: «پیش از انقلاب تعدادی از روحانیون موجه در خط امام تصمیم گرفتند که در حوزه‌های علمیه تحول ایجاد کنند که یکی از این حرکت‌ها در دهه ۴۰ و ۵۰ تأسیس مدرسه حقانی بود و در رأس این کار شهید بهشتی و قدوسی بودند که مدرسه را بعدها به نام مدرسه شهیدین نامگذاری کردند.

ما تربیت شده این مدرسه هستیم و خدا به‌گونه‌ای مقرر کرده بود که اِین دو بزرگوار بدون اینکه از انقلاب سال ۵۷ خبر داشته باشند، کادرسازی برای پس از انقلاب کرده باشند.

نیروهایی که علاوه‌بر تقوا به علوم روز نیز آشنایی داشتند. از این نیروهای تربیت‌شده می‌توان به آقای پورمحمدی که وزیر دادگستری است، حاج آقای نیری که قاضی‌القضات است، محسنی‌آزادی معاون اول دستگاه قضا، حجت‌الاسلام حسینیان، رامندی، پورقناد نام برد. جمعی از تربیت‌شدگان



این مدرسه بعدها در پست‌های امنیتی و قضائی مشغول به کار شدند که افراد بالا از این قبیل هستند. در سال ۵۷ که انقلاب پیروز شد، شهید قدوسی به تهران آمدند و دادستان کل انقلاب شدند و مدیریت مدرسه مقام را به دستور امام رها کردند و مشغول کارهای قضائی شدند و به پرونده‌های قضائی رسیدگی کردند. آن زمان مدرسه شهیدین را به شورای ۳ نفره سپردند که من نیز عضو آن شورا بودم. در زمستان سال ۵۹ ایشان که به مدرسه آمده بودند، گفتند که کاری است که شما باید چند هفته‌ای بیاپید به تهران و آن را انجام دهید.

ما هم بعد از این که کار پرونده‌های مواد مخدر را تمام کردیم، همراه این دوستان مشغول به کار بودیم و پرونده‌های اوین را رسیدگی می‌کردیم. بعد از آن من رفتم بجنورد و در آنجا افراد مطلع از عناصر فرهنگی و فعال شهربان به من گفتند که حاج آقای‌ن‌جا وضع خیلی خرابه و آمارى که به من دادند، گفتند: در بین جوانان بین ۸۰ الی ۹۰ درصد گروهکی هستند، بین ۱۰ الی ۲۰ درصد خال‌پللی و بی‌خطر.

اصلاً در بجنورد گروه‌هایی بود که در جاهایی دیگر نیست. غیر از منافقین یا پیکار یا توده، یک سری گروه‌ها بودند مانند طوفان، شنبه سرخ و… علت هم این بود که دکتر تقی آرائی که گروه ۵۲ نفر را در زمان رضاشاه تشکیل داده بود، از آن ۵۳ نفر، ۴۳ نفرشان اهل بجنورد و از سران توده در ایران بودند. یک سری نیرو تربیت کرده بودند و پس از انقلاب که فضای سیاسی باز شده بود، شروع به فعالیت کردند و حتی قبل از منافقین اقدامات مسسلحانه انجام می‌دادند. ۸۰ الی ۹۰ درصد بچه‌های دبیرستانی و دانشجویان بجنورد را در سال ۱۳۶۴، ۱۳۶۶، معاونت اجرایی دیوان عالی کشور، ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور، ریاست دادگاه ویژه رسیدگی به تخلفات جنگ به حکم حضرت امام خمینی(ره)، ریاست کل دادگستری استان تهران از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸، ریاست کل دیوان عدالت اداری از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸، ریاست دادگاه ویژه روحانیت به حکم حضرت امام و تنفیذ مقام معظم رهبری از ۱۳۶۶ تا ۱۳۹۱ و نماینده استان همدان در دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری از سال ۱۳۸۵ تا۱۳۹۵.

ادای احترام به شهدای قوه قضائیه و یادبود شهیدان رازینی و مقبسه

پرواز بادو بال عدالت و شجاعت

دانشجو، گروهکی بودند. ما شروع کردیم به محاکمه و رسیدگی به پرونده آنها. وقتی که آنها را محاکمه کردیم، پس از دو سه ماه ورق برگشت.

خیلی از جوان‌های امروز در فضای آن روزها دیگر نیستند. مثلاً در همان بجنورد گروهی از اعضای منافقین آمده بودند و قصد تقرر کاسب کتابفروشی را داشتند و گفته بودند این آقای کتابفروش که مغازه‌اش مرکز جمع شدن جوانان انقلابی است را ترور کنید تا تنبیهی برای انقلابیون باشد.

این آقا که از شناسن نزدیک اذان بوده، رفته وضو بگیرد و برود مسجد و در مغازه نیده و اینها که عجله داشتند و منتظر نشدن تا از نماز برگردند، همان جا رگبار بستند که در همین یک حادثه ۵ دانش‌آموز راهنمایی شهید شدند و ۲ نفر مجروح و معلول شدند. دانش‌آموز راهنمایی را ترور می‌کنند تا رعب در دل جامعه ایجاد شود ولی خوب بحمدالله در استن خراسان که بنده، که مغازه‌اش مرکز جمع شدن جوانان انقلابی ۳ سال ما دربارۀ منافقین و پرونده آنها کار کردیم و هر چه تشکیلات به وجود می‌آورند ما با همکاری دستگاه قضائی و تیم‌های عملیاتی به سرعت خانه‌های تیمی آنها را شناسایی کردیم و افراد داخل آن خانه‌ها را دستگیر و تخلیه اطلاعاتی کردیم و طی ۲ سال ۶۱ و ۶۲ مرکزیت این گروه‌ها چند بار متلاشی شد.

بعد از بجنورد، منطقه من افزایش پیدا کرد و کل شمال خراسان یعنی قوچان، درگز، شیروان هم به بجنورد اضافه شد. بعد از آن من اواخر سال ۶۱ منتقل شدم به مشهد و قاضی مشهد شدم و چندی بعد نیز مسئول هماهنگی استان شدم. جمعاً تا سال ۶۵ طول کشید و حدود ۵ سال شد که مأموریت من در استان خراسان که ابتدا بجنورد و سپس مشهد و کل استان تبدیل شد طول کشید.»

پایین آمدن جرائم و بالا رفتن امنیت اجتماعی

پس اتمام مأموریت‌ها در استان خراسان، حجت‌الاسلام رازینی به تهران آمد و به عنوان دادستان تهران منصوب گردید. شهید رازینی چنین از عملکردش در این منصب یاد کرده است:

«زمانی که من در تهران رئیس دادگستری بودم، بعضی از دادگاه‌ها را علنی انجام دادم. نتیجه این شد که آمار ۶ ماه قبل و ۶ ماه بعد از این اقدام نشان داد آمار کلی سرفت پایین آمد. بر اساس آمار رسمی خود پلیس، بیش از ۵۰ درصد آمار جرائم کم شده بود؛ بنابراین اگر ما احکامی چون محاربه، سرت و مفاسد اخلاقی و اقتصادی را نترسیم و علنی اجرا کنیم، مسلماً در پایین آمدن این‌گونه جرائم و بالا رفتن امنیت اجتماعی تاثیر بسزایی خواهد داشت.»

شهید رازینی در موقعیتی دیگر، از برخوردش با معضلات و مفاسد درون قوه قضائیه در دوران ریاستش بر دادگستری تهران می‌گوید: «برخی از این‌ها گردن کلفتی می‌کردند و خیلی



و مقبسه و تأکیدات قاطع و صریح‌شان بر ادامه داشتن راهشان را نقل می‌کنیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدی گلیایگانی رئیس دفتر حجج اسلام رازینی و مقبسه اظهار داشت: مقام معظم رهبری عالی کشور، ضمن عرض تبریک و تسلیت به مناسبت شهادت از شنیدن خبر شهادت این عزیزان بسیار متأثر و متالم شدند و دیشب هم بر پیکر این بزرگواران شخصاً نماز میت قرائت کردند و خانواده‌ان آنها را مورد تنقذ قرار دادند و پیامی مرقوم کردند که مقرر شد بنده در این مراسم به نیابت از ایشان شرکت کنم و پیام ایشان را قرائت کنم.

وی پس از قرائت پیام رهبری، افزود: اگر دشمن فکر می‌کند که با این اقدامات ما را از ادامه راه باز می‌دارد، اما هر لایه‌ای که از دست می‌رود لایه‌های فراوان دیگری می‌رود. ما دو قاضی خستگی‌ناپذیر خود را از دست دادیم، اما قطعاً قضات پرتوان و جوان ما جایگزین این شهدا شده و راه آنان را ادامه می‌دهند.

حجت‌الاسلام گلیایگانی گفت: خانواده ایشان نقل کردند که شب قبل شهادت، شهید رازینی تا صبح نخواستید و قرآن و دعا می‌خواند و گرچه می‌کرد و انگار متوجه شده بود شب آخر عمرش است. عیای را که بریده و دوخته بود و مخصوص تشرف به زیارت حضرت (رضاع) بود و فقط آنجا استفاده می‌کرد، روز شهادت بر تن کرد و به محل کار آمد و در محل شهید شد.

متحول کننده و بی‌ریا و دلسوز و صریح‌الحججه

حجت‌الاسلام و المسلمین محسنی آژای در نشست شورای‌عالی قوه قضائیه خاطرنشان کرد:

یک مدتی به لحاظ مسألتی که در جنگ پیش آمد، آشید رازینی آ آمد در آن تشکیلات قضائی که مربوط به نیروهای مسلح بود. این سازمان قضائی نیروهای مسلحی که ما الان داریم به این ساختار، با این تشکیلات، با ردیف بودجه و



بعضی از ویژگی‌های دیگر، به این شکل نبود. ارتباط بخش قضائی مربوط به نیروهای مسلح از زمانی که ایشان رفت در سازمان قضائی نیروهای مسلح به این ترتیب درآمد؛ یعنی یک تحول کاملاً جدی.

تدریک به وقت سال ایشان رئیس آن سازمان بودند. بعد ایشان رفت یک مدتی سمت قضائی در دیوان عالی کشور را گرفت؛ اما رفت رئیس دانشگاه علوم قضائی فعلی شد که البته آن موقع دانشگاه بود. از زمانی که آقای رازینی رفت دانشگاه علوم قضائی، یک تحولی ایجاد کرد. حتی در بعضی از متون درس‌ها، بعضی از اساتیدی که دعوت شدند، بعضی از آن چیزهایی که لازم بود اختیارات بیشتری گرفته بشود با همکاری وزارت علوم، آنجا را هم تا حدود زیادی یک تحولی نوشت ایجاد کردند. به لحاظ شرایطی که پیش آمد، ایشان رفت و رئیس کل دادگستری استان شد. در دادگستری در آن مقطع زمانی چند تا کاری که همین الانم ما [امدام] تلاش می‌کنیم به آن نمی‌رسیم [انجام داد]. یکی از آن تلاش‌ها این بود که ایشان وقتی آمد، گفت: آقا این چه وضعی است؟ این همه پرونده مانده از اول انقلاب تا حالا. لذا یک سلسله پرونده‌های

تدریک به وقت سال ایشان رئیس آن سازمان بودند. بعد ایشان رفت یک مدتی سمت قضائی در دیوان عالی کشور را گرفت؛ اما رفت رئیس دانشگاه علوم قضائی فعلی شد که البته آن موقع دانشگاه بود. از زمانی که آقای رازینی رفت دانشگاه علوم قضائی، یک تحولی ایجاد کرد. حتی در بعضی از متون درس‌ها، بعضی از اساتیدی که دعوت شدند، بعضی از آن چیزهایی که لازم بود اختیارات بیشتری گرفته بشود با همکاری وزارت علوم، آنجا را هم تا حدود زیادی یک تحولی نوشت ایجاد کردند. به لحاظ شرایطی که پیش آمد، ایشان رفت و رئیس کل دادگستری استان شد. در دادگستری در آن مقطع زمانی چند تا کاری که همین الانم ما [امدام] تلاش می‌کنیم به آن نمی‌رسیم [انجام داد]. یکی از آن تلاش‌ها این بود که ایشان وقتی آمد، گفت: آقا این چه وضعی است؟ این همه پرونده مانده از اول انقلاب تا حالا. لذا یک سلسله پرونده‌های

تدریک به وقت سال ایشان رئیس آن سازمان بودند. بعد ایشان رفت یک مدتی سمت قضائی در دیوان عالی کشور را گرفت؛ اما رفت رئیس دانشگاه علوم قضائی فعلی شد که البته آن موقع دانشگاه بود. از زمانی که آقای رازینی رفت دانشگاه علوم قضائی، یک تحولی ایجاد کرد. حتی در بعضی از متون درس‌ها، بعضی از اساتیدی که دعوت شدند، بعضی از آن چیزهایی که لازم بود اختیارات بیشتری گرفته بشود با همکاری وزارت علوم، آنجا را هم تا حدود زیادی یک تحولی نوشت ایجاد کردند. به لحاظ شرایطی که پیش آمد، ایشان رفت و رئیس کل دادگستری استان شد. در دادگستری در آن مقطع زمانی چند تا کاری که همین الانم ما [امدام] تلاش می‌کنیم به آن نمی‌رسیم [انجام داد]. یکی از آن تلاش‌ها این بود که ایشان وقتی آمد، گفت: آقا این چه وضعی است؟ این همه پرونده مانده از اول انقلاب تا حالا. لذا یک سلسله پرونده‌های

تدریک به وقت سال ایشان رئیس آن سازمان بودند. بعد ایشان رفت یک مدتی سمت قضائی در دیوان عالی کشور را گرفت؛ اما رفت رئیس دانشگاه علوم قضائی فعلی شد که البته آن موقع دانشگاه بود. از زمانی که آقای رازینی رفت دانشگاه علوم قضائی، یک تحولی ایجاد کرد. حتی در بعضی از متون درس‌ها، بعضی از اساتیدی که دعوت شدند، بعضی از آن چیزهایی که لازم بود اختیارات بیشتری گرفته بشود با همکاری وزارت علوم، آنجا را هم تا حدود زیادی یک تحولی نوشت ایجاد کردند. به لحاظ شرایطی که پیش آمد، ایشان رفت و رئیس کل دادگستری استان شد. در دادگستری در آن مقطع زمانی چند تا کاری که همین الانم ما [امدام] تلاش می‌کنیم به آن نمی‌رسیم [انجام داد]. یکی از آن تلاش‌ها این بود که ایشان وقتی آمد، گفت: آقا این چه وضعی است؟ این همه پرونده مانده از اول انقلاب تا حالا. لذا یک سلسله پرونده‌های

تدریک به وقت سال ایشان رئیس آن سازمان بودند. بعد ایشان رفت یک مدتی سمت قضائی در دیوان عالی کشور را گرفت؛ اما رفت رئیس دانشگاه علوم قضائی فعلی شد که البته آن موقع دانشگاه بود. از زمانی که آقای رازینی رفت دانشگاه علوم قضائی، یک تحولی ایجاد کرد. حتی در بعضی از متون درس‌ها، بعضی از اساتیدی که دعوت شدند، بعضی از آن چیزهایی که لازم بود اختیارات بیشتری گرفته بشود با همکاری وزارت علوم، آنجا را هم تا حدود زیادی یک تحولی نوشت ایجاد کردند. به لحاظ شرایطی که پیش آمد، ایشان رفت و رئیس کل دادگستری استان شد. در دادگستری در آن مقطع زمانی چند تا کاری که همین الانم ما [امدام] تلاش می‌کنیم به آن نمی‌رسیم [انجام داد]. یکی از آن تلاش‌ها این بود که ایشان وقتی آمد، گفت: آقا این چه وضعی است؟ این همه پرونده مانده از اول انقلاب تا حالا. لذا یک سلسله پرونده‌های

عقب‌مانده، به تعبیر امروزی پرونده‌های مسن. یک نهضتی به وجود آورد. پرونده‌های مهمی که آن زمان انجام شد را الان اگر بروید مرور کنید؛ بر سر و صدا، پیچیده، گاهی وقت‌ها حرف‌های سیاسی سنگین، جمله‌های سنگین وارد می‌شد. ایشان یک مقطع زمانی رفت دیوان عدالت اداری. یک تحول واقعی بار آن موقع در مورد ساختار و قوانین و جذب نیروها در زمان ایشان اتفاق افتاد. ساختار تغییر کرد.

ایشان با آن ذهنی که داشت و تبیینی که می‌کرد، در بسیاری از تدوین قوانین نقش داشت، حالا در هر سمنی که بود. آن موقع در دیوان عدالت اداری یک تحول قابل توجهی انجام شد. بعد از همه این‌ها، آقای رازینی واقعاً بی‌ریای بی‌ربای می‌پرا بود. این خیلی عجیب بود. ظاهر کردن و به رو آوردن اصلاً مطرح نبود. زمانی دیوان [عالی] کشور مدتی ایشان اتاق نداشت. سمت هم نداشت. اصلاً مهم نبود. می‌رفت در کتابخانه می‌نشست، یک میز هم داشت. واقعاً کار هر کسی نیست. این‌ها باید برای ما الگو باشد. ایشان سومین شهید خانواده هستند، ما جانشینان واقعاً.

صفحه ۷

دوشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۳

۲۵ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۰۴۳۸۸



حجت‌الاسلام آز‌های همچنن این را داشت: آقای مقبسه هم واقعاً خیلی دلسوزانه کار کرد. ایشان خیلی صریح‌الحججه بود. در مراحل سخت، طول چهل سال و بیشتر هیچ نوع لغزشی نداشت.

مغز متفکر قوه قضائیه

مرتضی بختیاری رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره) در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان ضمن تسلیت شهادت حجج‌الاسلام و المسلمین رازینی و مقبسه گفت: از سال ۵۳ با شهید بزرگوار حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی در ارتباط بودم. او از همان ابتدا یک طلبه جوان و فاضل و بسیار ما از جلودر بود. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دادستانی کل انقلاب، حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی در دستگاه قضا مشغول به فعالیت شد و به عنوان یکی از چهره‌های فاضل، توانمند و خوش‌فکر در قوه قضائیه مطرح بود.

وی ضمن اشاره به اینکه شاخصه‌های کار قضائی که اشرافیت علمی، خوشفکری و داشتن مستندات است در عملکرد حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی کاملاً مشخص بود، ادامه داد: انصاف، دقت، پیکیری، اجرائی و عدالت و قاطعیت جزو ویژگی‌های این شهید بود که در عمل دیدیم. همچنین حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی به لحاظ خلوت با خدا و برنامه‌های عبادی نیز فردی مقید بود و در سفرهایی که با این شهید به مأموریت می‌رفتیم بارها شاهد بودم که در داخل خودرو غالباً در حال خواندن قرآن بود و به صورت مرتب در اماکن مقدس و حرم مظهر حضرت (رضاع) حضور داشت و عاشقانه با این حضرت در زبان می‌کرد و بسیار به نماز جماعت و نماز اول وقت مقید بود.

رئیس کمیته امداد اسام خمینی(ره) بیان پیا اینکه حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی از همان ابتدای انقلاب در تمام صحنه‌ها با درایت در خدمت مردم و انقلاب بود، افزود:

ما قضات قدیمی اول انقلاب حجت‌الاسلام و المسلمین رازینی را مغز متفکر قوه قضائیه می‌دانستیم چرا که واقعاً تفکر روشنگری، منسجم و بسیار قوی داشت و در هر مسئولیتی که منصوب شد از رئیس رئیس دادگاه انقلاب در مشهد مقدس، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و فعالیت در دادستانی تهران را به نحو احسن انجام داد و در شرایط سخت با قوت می‌کرد و در کنار با قوت کار کردن در انصاف و عدالت نیز معروف بود.

بختیاری عنوان کرد: حجت‌الاسلام و المسلمین مقبسه نیز از همان ابتدای ورود به دستگاه قضا به عنوان یک جوان فاضل و عادل شناخته می‌شد و فدایی انقلاب بودن، ایثار‌گری، عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد از ویژگی‌های این شهید بود. **همه می‌دانستند حاج آقا اهل پذیرفتن هیچ سفارش و هدیه‌ای نیست** حاج علی‌اکبر فغاری پسر‌دایی شهید رازینی در مصاحبه مفصلی با خبرگزاری فارس از زندگی‌نامه و درخشنده‌گی علمی و معنوی و عملکرد حجت‌الاسلام رازینی سخن گفته است که ما تنها بخش کوتاهی از این صحبت‌ها را ذکر می‌کنیم:

«حاج آقا رازینی در سال ۶۰ به‌عنوان حاکم شرع مشهد انتخاب شد و در همین مسئولیت هم بود که جبهه نفاق برای او اولین بار به جانش سوءقصد کرد. حاج آقا مسئول دور به‌لای قوه قضائیه بود اما سابقه حضور در جبهه هم داشت، به هر وسیله‌ای که می‌توانست، دل خانواده و اقوام را روشن و شاد می‌کرد. ما که از جوانی تا شهادت بس حاج آقا رازینی ارتباط خانوادگی داشتیم، شاهد بودیم که ایشان قبل و بعد از رسیدن به مسئولیت‌های مهم قضائی، هیچ تغییری نکرد. واقعاً دو مناضی بود.

با وجود تمام مشغله‌هایش، همیشه مقید به صله رحم و رفت‌وآمد با اقوام بود. فامیل‌دوستی، محام‌نوازی و عرق به خاندانه و اقوام به جای خود اما حاج آقا هرگز اهل پارتی‌بازی نبود. همه می‌دانستند حاج آقا اهل پذیرفتن هیچ سفارش و هدیه‌ای نیست حتی برای اقوام هم. خارج از قانون، کاری انجام نمی‌داد.

حاج آقا در سال ۷۷ برای دومین بار مورد سوءقصد قرار گرفت و این بار به‌شدت مجروح شد. حاج آقا تا قبل از آن ترور، برنامه منظم کوهنوردی داشت اما بعد از آن حادثه که باعث از بین رفتن صلب پای چپش شد، دیگر راحت نمی‌توانست از پیاده‌روی محروم شود.»

این دو شهید بزرگوار، جلودانه و در تاریخ ماندگار شدند حجت‌الاسلام و المسلمین حسین مقبسه پسر بزرگ شهید محمد مقبسه نیز در گفت‌وگوی مفصلی با خبرگزاری میزان از ویژگی‌های اعلای اخلاقی و عملکرد درخشان قضائی پدر گفت.

پسر ارشد شهید مقبسه، شهامت، ساد‌زیستی، اهتمام به اقامه نماز جماعت، خدمت به پدر و مادر و ولایت‌مداری را از ویژگی‌های برجسته آن شهید والا‌مقام برشمرد. حجت‌الاسلام حسین مقبسه در بخشی از سخنانش، ولایت‌مداری محض را از ویژگی‌های شخصیتی پدر بزرگوارش عنوان کرد و گفت: همه همت و حرف پدر این بود و تأکید داشت: اگر حرف این سید بزرگوار را گوش بدهند، مملکت گلستان می‌شود.

وی به خاطره‌ای از پدر و شهید آیت‌الله رئیسی هم اشاره کرد و افزود: در دوران شیوع کرونا، شهید رئیسی، رئیس وقت قوه قضائیه به پدرم گفته بود: آقا شیخ محمد! حیث است که ما خواهیم با این بیماری دنیا را ترک کنیم، من و تو باید شهید شویم و همین گونه هم شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین مقبسه با اشاره به علاقه پدر به شهید بهشتی، ادامه داد: ما به شهادت حجج‌الاسلام و المسلمین مقبسه و رازینی افتخار می‌کنیم و جانمان را برای حفظ نظام می‌دهیم؛ این دو شهید بزرگوار به مانند امیرکبیر‌ها شهید بهشتی‌ها، جلودانه و در تاریخ ماندگار شدند.

وی به ک‌شدنی از لقبی که رهبر انقلاب به شهید

حجت‌الاسلام و المسلمین مقبسه داده‌اند، گفت: به رهبر انقلاب از همین جا این پیام را می‌دهم: ما قادران محبت اگر بروید مرور کنید؛ بر سر و صدا، پیچیده، گاهی وقت‌ها حرف‌های سیاسی سنگین، جمله‌های سنگین وارد می‌شد. ایشان یک مقطع زمانی رفت دیوان عدالت اداری. یک تحول واقعی بی‌ریای بی‌ربای می‌پرا بود. این خیلی عجیب بود. ظاهر کردن و به رو آوردن اصلاً مطرح نبود. زمانی مدتی ایشان اتاق نداشت. سمت هم نداشت. اصلاً مهم نبود. می‌رفت در کتابخانه می‌نشست، یک میز هم داشت. واقعاً کار هر کسی نیست. این‌ها باید برای ما الگو باشد. ایشان سومین شهید خانواده هستند، ما جانشینان واقعاً.

وی همچنین از ادامه راه شهیدان گفت: دشمن غدار و خون‌خوار با تصور اینکه بتواند با شهادت این عزیزان، در ترور، این انسان‌های ارز‌شمند، ما را از ادامه راه باز دارد، که خوانده این شهیدان خواهد هستند.